

۶۳۶۴

۹/۱۴ ✓  
۱۰۲۸

شماره ترتیب چاپ:

شماره چاپ سابقه:

۴۱۳

شماره دفتر ثبت:



دوره ششم - سال دوم

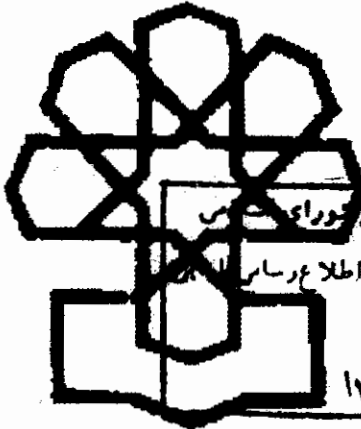
۱۳۸۰-۱۳۸۱

تاریخ چاپ ۱۳۸۰/۱۱/۱۴

گزارش کارشناسی درباره لایحه:

اخذ سه درصد (۳٪) درآمد مشمول مالیات قطعی شده به عنوان سهم شهرداری

برای شور اول



مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع رسانی  
شماره ۱۴۶۸۸  
تاریخ: ۱۳۸۰/۱۲/۱۵

اقتصادی - امنیت ملی و سیاست خارجی

کمیسیون های ارجاعی

۲۰۰

کد موضوعی:

۶۳۶۶

شماره مسلسل:

معاونت پژوهشی  
اسفند ۱۳۸۰

کار: دفتر بررسی های اقتصادی

اخذ سه درصد (۳٪) درآمد مشمول مالیات قطعی شده  
به عنوان سهم شهرداری

شماره مسلسل: ۶۳۶۶ کدموضوعی: ۲۰۰

۱. پیشینه قانونی در رابطه با لایحه و دلایل عدم کارایی و نواقص آن

به شرحی که در متن پیوست لایحه آمده است، پس از انقضای مهلت قانونی اخذ ۳ درصد اضافی از درآمد مشمول مالیات مؤدیان، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بدون توجه به اعتراض های قانونی مؤدیان، همچنان به اخذ غیر قانونی وجوه مذکور ادامه داد. مؤدیان که راه چاره ای نداشتند، از دیوان عدالت اداری استمداد جستند و سرانجام در ۱۷ مرداد ماه ۱۳۸۰ با رأی دیوان، وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف به استرداد وجوه اضافه دریافتی شد.

در آن زمان، قانون مالیات های مستقیم در دست اصلاح بود. از این رو، نرخ های جدید مالیاتی با مدنظر قرار گرفتن حذف شدن ۳ درصد، تعیین گردید؛ در حالی که در همان زمان هم برخی از کارشناسان معتقد به نرخ مالیاتی کم تر از ۲۵ درصد برای اشخاص حقوقی بودند. حال، پس از گذشت تنها چند ماه از زمان بحث های کارشناسی درباره نرخ های مالیات، دولت خواستار دریافت مجدد همان ۳ درصد شده است، که نه توجیه پذیر است و نه پذیرفتنی، زیرا به سادگی نرخ مالیات اشخاص حقوقی را به ۲۸ درصد افزایش می دهد که در بسیاری موارد حتی از نرخ مؤثر قانون پیشین نیز بیش تر است. در مورد اشخاص حقیقی نیز همین استدلال وجود دارد.

بدون شک، تنها به این بهانه که وزارت امور اقتصادی و دارایی باید اضافه دریافتی از مؤدیان را در سال های گذشته مسترد دارد، نمی توان هزینه ای چنین سنگین را بر مؤدیان مالیاتی تحمیل کرد. در حقیقت با این درخواست نامعقول، دولت قصد تنبیه مؤدیانی را دارد که تحت فشار های غیر قانونی وزارت امور اقتصادی و دارایی سال ها مبالغ متناهی به آن وزارتخانه اضافه پرداخته اند و حال که باید وجوهی که دولت سال ها از آن به طور رایگان

استفاده کرده است، به صاحبان اصلی باز پس داده شود، دولت قصد دارد با این قانون وجوه مورد نیاز خود را از مؤدیان به نحوی دیگر اخذ کند و سپس به آن‌ها برگرداند. به عبارت روشن‌تر خرج از کیسه میهمان کردن است و این‌که از خود مؤدی می‌گیرند و به خود مؤدی حقش را پس می‌دهند.

اگر این داد و ستد حداکثر به میزان اضافه دریافت از مؤدیان محدود می‌شد، باز هم جای تأمل داشت، اما تصویب قانون به این معنا خواهد بود که مؤدیان نگویند بخت به جرم درخواست حقوق حقه خود، باید دست کم تا پایان برنامه سوم جریمه دادخواهی خود را بپردازند و همچنان ۳ درصدهای تمام نشدنی را اضافه بر مالیات تعیین شده متقبل گردند. اکنون که بیش از چند روزی از تصویب قانون جدید نگذشته است و حتی زمان اجرای آن نیز فراتر رسیده است، لایحه تقدیمی دولت در حقیقت خط بطلان بر تمامی زحمات چندین ماهه دست‌اندرکاران تدوین قانون جدید می‌کشد و غیرقابل اتکا بودن مصوبات را مشتبه می‌کند. بدون شک، اعتراض شدید مؤدیان و انتقادهای اصولی که در نتیجه عنوان شدن این لایحه سراسر کشور را تکان خواهد داد، نمی‌تواند و نباید نادیده انگاشته شود.

## ۲. بیان مقاصد لایحه

تنها مقصود ذکر شده برای لایحه، رفع مشکل مالی دولت است که به جهت اضافه دریافت از مؤدیان، چنان‌که مطرح شده، به وجود آمده است. بدون شک این دلیل معقول و منطقی و مهم‌تر از همه پذیرفتنی نیست. چرا دولت باید با نادیده گرفتن حقوق مؤدیان و توسل جستن به قوای قهریه از مؤدیان وجوه اضافی دریافت کند، که به حکم دادگاه ناگزیر از استرداد آن شود؟ اگر این لایحه به تصویب برسد، به معنای آن است که مؤدیان به جرم دادخواهی مورد ستم مضاعف قرار می‌گیرند و نه تنها آن چه را که اضافه پرداخته‌اند، پس نمی‌گیرند، که حتی مجبوراند مبالغی نیز بر آن بیفزایند و به دولت پرداخت کنند. کسر بودجه مؤدیان مشمول این ستم مضاعف را چه کسی جبران خواهد کرد؟ آیا مؤدیان نیز می‌توانند لایحه‌ای تقدیم مجلس کنند؟ بدون شک حتی پسندیده و قابل اغماض نیز نیست که دولت برای استرداد وجوه اضافه دریافتی از ملت، وجوهی دیگر از آن‌ها بستاند.

بند آخرین لایحه پیشنهادی بسیار حیرت برانگیز است و نشان می‌دهد که دولت حتی به آنچه به عنوان مقصود لایحه در مقدمه ذکر شده است نیز بسنده نکرده است. در این بند آمده است که «اقدامات وزارت امور اقتصادی و دارایی در خصوص وصول عوارض یاد شده تا تاریخ تصویب این قانون تنفیذ می‌گردد و عوارض دریافتی تا تاریخ تصویب این قانون کماکان بین شهرداری‌ها تقسیم می‌شود. این قانون در حقیقت عطف به ماسبق شده است و هدف اصلی آن خنثی و باطل کردن رأی صادر شده از دیوان عدالت اداری است و ممانعت از استرداد وجوه اضافه دریافتی از مؤدیان. یعنی این که دولت به بهانه رفع مشکل مالی، که طبیعتاً تقصیری از آن بابت متوجه ملت ستم کشیده نیست، قصد دارد، نه تنها قدمی در جهت جبران خسارات وارد شده و استرداد وجوه اضافه دریافتی بر ندارد، که حتی با ابطال رأی دیوان عدالت اداری، آنچه را که قبلاً با توسل به قوای قهریه ستانده است، از آن خود کند و کماکان به دریافت وجوهی که دیگر ضرورت و منطقی برای اخذ آن وجود ندارد، ادامه دهد.

بدون شک مقصود ثانوی لایحه آن چنان مغایر اخلاق و انصاف و عدالت و حتی منافع ملی و حکومتی است که به تصور نیز نباید راه یابد، چه رسد به آن که درخواست قانونی کردن حق‌کشی و ستم بر ملت مستضعف به خانه قانون تسلیم شود.

### ۳. ارزیابی مقاصد لایحه (در صورت امکان به صورت کمی)

از آن جا که لایحه تنها یک مقصود دارد و آن هم قانونی کردن خلافی انکارناشدنی است، یعنی گرفتن پول از کسانی که قبلاً به ناحق از آن‌ها اضافه دریافت شده است، به بهانه پس دادن آن و عملاً پس ندادن آن، لذا عواقب این عمل ناپسند را می‌توان چنین برشمرد:

۱. به وجود آمدن بی‌اعتمادی نسبت به مجلس و ارکان کشور به طور کلی به سبب آن که با تصویب لایحه در حقیقت مجلس صحنه بر عمل خلاف دولت خواهد گذاشت.
۲. زایل شدن اعتبار دادخواهی در کشور و اثبات آن که تلاش برای احقاق حق با مجازات قانونی شدن زایل کردن حق و خنثی شدن حقوق به کف آمده به دلیل از کف رفتن بیش از آن همراه خواهد بود.

۳. زیر سؤال رفتن قانون تازه تصویب شده مالیات‌های مستقیم و خدشه‌دار گردیدن

اعتبار مجلس و دولت به سبب عملی خلاف تمامی سخنان بر زبان آمده درباره کاهش نرخ مالیات ها و....

۴. اعطای مجوز زورگویی به دولت و این که تمامی سازمان های دولتی که از قدرت قهریه برخوردارند بتوانند بدون اتکا بر قانون و تنها با تکیه بر زور هر چه می خواهند از مردم بستانند و نگران استرداد وجوه به زور اخذ شده نیز نباشند، زیرا در چنان صورتی، به سادگی با تصویب ماده واحده ای بازپرداخت را می توان بر عهده خود ستم دیدگان گذاشت و هر چه گرفته شده است را با به کارگیری واژه تنفیذ قانونی کرد.

۵. تأمین هزینه های دولت، که می باید از محل مالیات باشد، به طور مستقیم از درآمد مؤدیان، زیرا که هر شهروند با پرداخت مالیات حقه درآمدهای خود باید بتواند از مزایای شهروندی برخوردار شود، اما در صورت تصویب قانون، باید برای تأمین مخارج شهرداری نیز جداگانه پرداخت کند.

۶. امکان تسری یافتن این شیوه نامقبول و نامعقول کسب درآمد برای دولت به سایر بخش ها، زیرا که می توان همه روزه لوایح جدیدی تقدیم مجلس کرد و امثال این ۳ درصدها را برای وزار تخانه های مختلف و دیگر مؤسسه های دولتی نیز از مردم به زور قانون دریافت کرد و همزمان کلیه دریافت های خلاف قانون و متکی به زور را با تنفیذ کردن، قانونیت بخشید.

#### ۴. تبیین آثار مستقیم و غیرمستقیم ناشی از اجرای لایحه

اولین اثر مستقیم اجرای لایحه، هتک حرمت قانون تازه تصویب شده مالیات های مستقیم است و بی اعتماد کردن مردم نسبت به تمامی وعده های داده شده از طرف مقام های مختلف کشور درباره کاهش نرخ های مالیاتی.

اثر مستقیم دوم، در حقیقت نوعی به سخره گرفتن قوه قضاییه و خنثی کردن حاصل ماه ها تلاش حق جویانی است که توانسته اند با دریافت حکم از دیوان عدالت اداری، احقاق حقوق پایمال شده خود را امید ببرند. با تصویب لایحه به قوه قضاییه گفته می شود که مجلس تمایلی به جبران حقوق ضایع شده شهروندان ندارد و در صورتی که حکمی در جهت جبران

خسارات وارد شده به شهروندان صادر گردد، دولت و مجلس با کمک یکدیگر می‌توانند اثر مثبت آن را محو و حتی منفی کنند.

اثر بسیار مهم دیگری که باید به آن اشاره شود، کشیده شدن مؤدیان به خلافتکاری و کتمان درآمدها است تا شاید از آسیب قوانین این چنینی در امان بمانند. چه گونه می‌توان از یک مؤدی که سال‌ها برخلاف قانون و با اتکا به قوای قهریه مبالغی اضافه از وی ستانده‌اند و پس از ماه‌ها تلاش توانسته است حقانیت خود را به اثبات برساند و امید به آن بسته است که با دریافت وجوه اضافه پرداختی مرهمی بر زخم اقتصادی خود بگذارند، اما ناگهان خود را با ستمی مضاعف رو به رو ببیند و نه تنها چیزی به کف نمی‌آورد، بلکه باید بر از دست داده‌ها نیز بیفزاید، انتظار داشت که شفاف عمل کند و با ابراز سود و درآمد واقعی خود و پرداخت مالیات واقعی، دولت را نیز در تأمین منابع مورد نیاز، یاری رساند؟

یکی دیگر از آثار نامطلوب اجرای لایحه، تشویق دولت مردان به خلافتکاری و زورگویی است، زیرا که هرگاه قانون سد راه آن‌ها شود، قانونی دیگر به کمکشان خواهد آمد و حتی جبران خسارات وارد آمده را به سادگی بر عهده خسارت دیده خواهد گذاشت.

#### ۵. ایرادهای اساسی وارد بر لایحه و ارائه پیشنهاد های مشخص

قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در سال ۱۳۶۸ به تصویب رسید، متناسب با وضعیت کشور در آن سال‌های بحرانی تنظیم و تصویب شده بود. بازسازی ویرانی‌های جنگ تحمیلی و پر کردن خزانه تهی شده، اخذ مبالغ بیش‌تری از شهروندان را ایجاب می‌کرد و آنان نیز با دل و جان برای سهم شدن در سازندگی حاضر بودند از تأمین نیازهای طبیعی خود نیز چشم‌پوشش و با ایثار و از خودگذشتگی، کشور جنگ‌زده و فقرزده را به جایگاه بایسته خود بازگردانند. امروز، آن روز نیست. تورم، بیکاری، بی‌بهره ماندن از دانش‌های روز، فرسودگی و ناباب شدن ماشین‌آلات موجود و ده‌ها مشکل اساسی دیگر، واحدهای اقتصادی ما را به ورطه نابودی می‌کشاند. پس، چراغی که به منزل روا است، به مسجد حرام است؛ یعنی آن‌که برای ۳ درصد مورد مطالبه دولت، آن هم بدون هیچ دلیل و عذر موجهی، مؤدیان مالیاتی مصارف بهتری دارند که بی‌هیچ شک و تردیدی از اولویت کامل

نسبت به درخواست دولت برخوردار است. حتی اگر دولت لایحه‌ای تقدیم مجلس می‌کرد که در آن عدم لزوم استرداد وجوه اضافه دریافت شده در سال‌های گذشته را درخواست می‌کرد، یعنی حتی به ارائه بخشی از بند آخر ماده واحده پیشنهادی بسنده می‌شد، باز هم منطقی تر بود، تا این که بخواهد، اضافه دریافتی از مؤدیان را از جیب مؤدیان بردارد و علاوه بر آن نیز وجوهی اضافی، شاید بابت جریمه دادخواهی، از مؤدیان دریافت کند.

شهرداری‌ها هم اکنون نیز مبالغ متناهی به عنوان گوناگون از مردم دریافت می‌دارند. اخذ وجوه بیش تر بدون دلیل موجه هرگز نباید مورد تأیید و تصویب قرار گیرد. اکنون نه جنگی در میان است و نه بازسازی ویرانه‌های آن، پس دلیلی ندارد که ملت باز هم از حقوق خود بگذرند و بیش تر بپردازند.

هرگز و هیچگاه در هیچ کجای دنیا دیده نشده است که دولتی برای استرداد وجوه اضافه دریافت کرده با توسل به قوه قهریه از مردم، متوسل به قانون اخذ مالیات اضافی شود. این بدعت‌گذاری نه پسندیده است و نه توجیه پذیر.

۳ درصد درخواستی از منابع مالیات موضوع باب‌های دوم و سوم، یعنی درآمد املاک، درآمد مشاغل، درآمد اشخاص حقوقی و درآمد اتفاقی اخذ خواهد شد. یعنی دقیقاً همان منابعی که کاهش مالیات آن‌ها مدنظر تصویب‌کنندگان قانون مالیات‌های جدید بوده است. به عبارت روشن تر این لایحه ناقض قانون مالیات‌های تازه تصویب شده، ناقض رأی دیوان عدالت اداری و از همه مهم تر، ناقض حقوق حقه ملت شریف ایران است که سال‌ها با از خودگذشتگی، ۳ درصد اضافی را پرداخت کرده‌اند و دم بر نیاورده‌اند و زمانی هم که تقاضای توقف اخذ مبلغ غیرقانونی را کرده‌اند و حکم آن را دریافت داشته‌اند، با لایحه‌ای رو به رو شده‌اند که به بهانه عدم پیش‌بینی محل و بودجه پرداخت مطالبات، قصد دارد تمامی آنچه به ناحق و به زور دریافت شده است را قانونی کند و نه تنها ریالی به ملت برنگرداند، بلکه به دریافت مبالغ اضافی هم همچنان ادامه دهد.

اگر به یاد آورده شود که قانون بودجه پس از دریافت حکم دیوان عدالت اداری و پس از نهای شدن قانون مالیات‌های مستقیم، تقدیم مجلس گردیده به خوبی روشن می‌شود که اصولاً دولت قصد و نیت پس دادن اضافه دریافتی از مؤدیان را نداشته است، و گرنه

می توانست در همان زمان منابع لازم برای استرداد را پیش بینی کند. در عوض، باز هم ثابت می شود که دولت اصولاً جبران خسارات وارد شده به ملت و احقاق حقوق مؤدیان را هم برخوردار لازم نمی شمرده است و در صدد یافتن راهی بوده است که حکم عادلانه و انسانی دیوان عدالت اداری را بی اثر سازد.

#### ۶. جمع بندی کلی (موافقت یا عدم موافقت با اجرای لایحه)

از آن جا که لایحه تقدیمی مغایرت کامل با اصل حاکمیت ملی و حکومت قانون دارد و در صورت تصویب، مجلس را نیز به عنوان نماینده و حافظ حقوق ملت زیر سؤال می برد، رد لایحه و تأکید بر عدم ارائه چنین لوایحی که توهین به ملت و نمایندگان ملت است، واجب به شمار می آید.